

A Study of Jurisprudential Principles of Animal Rights^۱

Farida Asghari

PhD. Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. asghari_۱۱۰@yahoo.com

Ahmad Moradkhani

Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (**Corresponding Author**).
ah_moradkhani@yahoo.com

Sayyid Hassan Abedian

Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom branch, Islamic Azad University of Qom, Iran. mhabet۳@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present study is to investigate jurisprudential principles of animal rights. The method of study is descriptive-analytic. General principles including the ones in the *Qur'an* and *sonnat* (the tradition) are discussed in this research. Both of the above revelation resources have mentioned common features for animals in terms of life principles, perception issues, and evolution after this world that is sufficient to prove the right of animals as living creatures. Rational arguments indicate that every measure violating animal rights is evidence of cruelty while every measure that sustains their dignity, life, interests, resources, environment, and survival of their different species is considered as an act of goodness. The Sunni and Shi'ite scholars have consensus that animals also have rights so humans are obliged to observe them. Jurisprudential principles state that killing an animal requires the responsibility to make up for the loss. Besides, any damage to animals is prohibited and every attempt to fulfill their rights is regarded as an act of benevolence and goodness. Finally, the above principles generally approve animal rights, in addition to human rights, and convey the necessity to observe and fulfill that.

Keywords: Fiqhi (Jurisprudential) Principles, Animal Rights, Noble Qur'an, *Sonnat* (Tradition), Consensus, Reason.

واکاوی مبانی فقهی حقوق حیوانات^۲

فریده اصغری

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

asghari_۱۱۰@yahoo.com

احمد مرادخانی

دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

ah_moradkhani@yahoo.com

سید حسن عابدیان

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. mhaded۴@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر واکاوی مبانی فقهی حقوق حیوانات است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. در این پژوهش از مبانی کلی سخن به میان آمده است، شامل کتاب و سنت. این دو منبع وحیانی برای حیوانات ویژگی‌های مشترکی را در اصول حیاتی، امور ادراکی و تکامل پس از عالم دنیا برشمرده‌اند که برای اثبات حقوق حیوانات به عنوان یک موجود دارای حیات، کافی است. ادله عقلی نیز هر اقدامی را که موجب تضییع حقوق حیوانات شود، مصداق ظلم دانسته و اگر موجب حفظ حرمت، تأمین حیات، منافع و منابع حیاتی و محیط زیست، بقای انواع گونه‌های حیوانات شود، امر نیکو و پسندیده می‌داند. علمای فریقین نیز اتفاق نظر دارند که حیوانات دارای حقوق هستند و بر انسان‌ها رعایت آن لازم است. قواعد فقهی نیز اتلاف حیوان را موجب ضمانت دانسته و وارد کردن هرگونه خسارت را بر آنها نهی نموده و هرگونه تلاش را در راستای ادای حقوق حیوانات مصداق احسان و نیکی می‌داند. در نهایت، مجموع مبانی فوق، بر اثبات حقوق حیوانات در کنار انسان‌ها، و لزوم رعایت و ادای آنها دلالت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مبانی فقهی، حقوق حیوانات، قرآن کریم، سنت، اجماع، عقل.

^۲ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۷

** پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری، با عنوان: مبانی فقهی - حقوقی حقوق حیوانات و خلاءهای قانونی آن در حقوق ایران است.

مقدمه

بدون تردید، حیوانات از ابتدای تاریخ بشر تاکنون در حوزه‌های گوناگون نیروی کار، تأمین منابع غذایی، درآمدهای اقتصادی و غیر آن نقش ویژه‌ای در زندگی انسان‌ها داشته‌اند و به نحوی با انسان‌ها در ارتباط بوده و هستند. از این‌رو، در شرع مقدس اسلام وظایف و مقرراتی که رعایت آن لازم است، برای انسان در تعامل با این مخلوقات الهی در نظر گرفته شده که در ادبیات امروز به «حقوق حیوانات» تعبیر می‌شود.

واکاوی برخی ابواب فقه اسلامی، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که دلیل لزوم رعایت حقوق حیوانات و حمایت از آن‌ها، حفظ حرمت و احترام آنها است. به عنوان مثال، فقهای فریقین گفته‌اند، نفقه حیوان بر صاحبش و یا کسی که حیوان را از صاحبش امانت می‌گیرد، واجب است، حتی اگر صاحبش به امانت گیرنده گفته باشد به او آب و علف ندهد. دلیل لزوم نفقه این است که حیوان ذاتاً حرمت دارد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۱۳۷؛ ج ۶، ص ۴۷). احیاء این حرمت به دلیل حقی که خداوند برای او قائل شده، واجب است (حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۳؛ مقدسی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۲۹۳).

در این راستا، سوال اصلی تحقیق حاضر این است که مبنای حرمت و احترامی که فقها برای حیوانات قائل هستند، و بر اساس آن احکام فقهی را وضع کرده‌اند، چیست؟

ضرورت بررسی مبانی مسأله پژوهش حاضر این است که بشر هیچ‌گاه حکمی را بدون مستند و مبنا نمی‌پذیرد. از این‌رو، ضروری می‌نماید که مبنای احکام فقهی مربوط به رعایت حقوق حیوانات بررسی گردد تا علاوه بر مستندسازی احکام مربوطه، روحیه اقتناع و تسلیم در پابندی به حقوق حیوانات در روح و افکار انسان‌هایی که اعتقاد به مبدأ و معاد دارند، ایجاد شود.

هرچند در برخی پژوهش‌ها به صورت پراکنده و ناقص به این موضوع اشاره شده، ولی با جستجویی که صورت گرفت، پژوهشی که توانسته باشد به صورت جامع و کامل به بررسی این مبانی پرداخته باشد، یافت نگردید. برآمد تحقیق پیش‌رو که با روش توصیفی - تحلیلی، انجام شده این است که حیوانات دارای ویژگی‌هایی هستند که می‌تواند زیربنا و مبنای فقهی حقوق حیوانات قرار گیرد. یقیناً تمسک به این مبانی، فقیه را در استنباط احکام مربوطه یاری نموده و روشنگر راه سایر اقشار مردم در راستای رعایت حقوق حیوانات خواهد بود.

مفهوم‌شناسی پژوهش

در راستای تبیین مباحث، تحلیل و آشنایی با برخی از مفاهیم، ضروری است که به بررسی مفاهیم پژوهش پرداخته شود.

مفهوم مبانی

در لغت و اصطلاح حقوقی و فقهی، واژه مبانی، اینگونه مورد بررسی قرار گرفته است:

مبانی در لغت

واژه «مبانی» جمع مکسر «مبَنی = مبنا» از ریشه «بَنی» گرفته شده است. معنای اصلی کلمه «بَنی = باء، نون و یاء» در لغت بنا کردن و ساختن است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۰۲). بنابراین، مبنا به معنای ساختمان، کاخ، اساس و «مبانی»

به معنای ساختمان‌ها و اساس و پایه‌هاست. «حُرُوفُ الْمَبْنِی» به حروف الفباء گفته می‌شود که اساس کلمات هستند (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۷۷۶). در نتیجه مبانی به معنای اساس، زیربنا و پایه یک نظریه، باور و یا حکم است.

مبانی در اصطلاح حقوقی

در اصطلاح حقوقی، حقوقدانان معانی متعددی را برای آن ذکر کرده‌اند. برخی نویسندگان حقوق معتقدند که: «... در حقیقت مبانی حقوق همان نیروی پنهانی و کشش نهفته‌ای است که ما را به فرمانبرداری از قانون وادار می‌سازد (ساکت ۱۳۷۰، ص ۱۷). برخی نیز نیرو و جاذبه پنهانی که ما را به اجرای قواعد وادار می‌سازد را مبانی حقوق می‌نامند (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ص ۱۸-۱۹). با عنایت به سخنان این دو نویسنده، مبانی حقوق، همان نیروی پنهانی (نیروی الزام‌آور) است که انسان را به پایبندی و اجرای قانون ملزم می‌سازد، مثل ارزش‌های اخلاقی، قدرت دولت و یا ضرورت‌های زندگی. برخی نیز مبانی حقوق را به «دلیل اعتبار و مشروعیت» تعریف کرده (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۶۴) و مبنا بر پایه این تعریف، همان چیزی است که به قاعده یا نظام حقوقی مشروعیت و حجیت می‌بخشد و به اعتبار او قابلیت اجرایی پیدا می‌کند.

تعریف مبانی در اصطلاح فقهی

در حوزه فقه، با جستجویی که انجام شد، به دلیل وضوح، تعریف خاصی یافت نشد. شاید بتوان گفت: مبانی فقهی، دلائل و مدارک معتبری است که مبانی استنباط احکام اسلامی قرار گرفته‌اند و علماء از آن به «ادله اربعه» (کتاب، سنت، دلیل عقل و اجماع) تعبیر می‌کنند. قواعد فقهی نیز چون برگرفته از قرآن و سنت هستند، زیرمجموعه «دلائل و مدارک معتبر» قرار می‌گیرند. ویژگی‌های مبانی فقهی این است که معتبر و الزام‌آور هستند. با عنایت به این تعریف، در موضوع مورد بحث ما، «مبانی فقهی حقوق حیوانات» عبارتند از: دلائل معتبر و مشروعی که ما را ملزم می‌سازد تا نسبت به موجوداتی که با آنها تعامل داریم، از جمله حیوانات، حقوق‌شان را رعایت نماییم و این دلائل می‌تواند پاسخ این سؤال را که «چرا باید حقوق حیوانات را رعایت کنیم؟» واضح بیان کند، از این‌رو، الزام‌آور نیز خواهد بود. این تعریف مبانی فقهی، با تعریف حوزه حقوقی (تعریف مبانی به دلیل اعتبار و مشروعیت) همخوانی دارد.

اقسام مبانی

مبانی فقهی حقوق حیوانات را می‌توان به مبانی کلی و مبانی ویژه هر موضوعی تقسیم نمود: مبانی کلی، مجموعه‌ای از آیات، روایات، حکم عقلی و نیز اجماع و قواعد فقهی است که بر این نکته دلالت دارند که حیوانات به عنوان یکی از مخلوقات الهی و موجود زنده و دارای ویژگی‌های مشترک با انسان، همانند سایر موجودات دیگر، دارای حقوق هستند. بر اساس این مبانی، بر انسان‌ها که در حیات اجتماعی با حیوانات همزیستی و تعامل دارند، واجب است که حقوق آنها را کاملاً رعایت نمایند. مقصود از مبانی ویژه، مبانی خصوص هر موضوع حقوقی مربوط به حیوانات است. به عنوان مثال، یکی ده‌ها حقوق حیوانات، تأمین نفقه است که علاوه بر مبانی کلی، دلیل ویژه‌ای از کتاب و سنت نیز دارد. پژوهش حاضر می‌کوشد تا مبانی کلی حقوق حیوانات را مورد بحث و تحلیل قرار دهد.

مبانی فقهی حقوق حیوانات

در راستای تحلیل مبانی حقوق حیوانات، مراجعه به مصادر ادله و مبانی الزامی است:

کتاب و سنت

قرآن کریم نخستین منبع خدشه‌ناپذیر و سپس سنت معتبرترین منابع وحیانی است. شیعیان، قول، عمل و تقریر معصوم (ع) (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۰) را حجت و مصداق سنت می‌دانند، اما از نظر عرف خاص اهل تسنن، سنت شامل قول، عمل و تقریر پیامبر (ص) و از نظر عرف عام آنها، سیره صحابه و تابعین نیز مصداق سنت خواهد بود و همه این موارد از دیدگاه آنها حجت است (دمشقی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۱۹۹).

ویژگی‌های مشترک حیوانات با انسان

مبنای حقوق حیوانات در فقه اسلام، بر اساس ویژگی‌ها و اوصاف ذکر شده آنان در قرآن و روایات است که فقها قائل به حرمت برای حیوانات حرمت شده و احکام حقوقی را پایه‌ریزی کرده‌اند:

بهره‌مندی از اصول حیاتی

«حیات و زندگی» برای هر موجود زنده، مسأله‌ای ضروری و حیوانات نیز به عنوان موجودات زنده در راستای فلسفه آفرینش خداوند، دارای این حق هستند که آیات نیز بر آن تأکید دارند:

الف - همسانی در بهره‌مندی از نعمات الهی: خالق متعال، نعمت‌های بی‌شماری را در اختیار همگان قرار داده و هر مخلوقی به تناسب وجودی خود از آن بهره‌مند است. در گروهی از آیات (نازعات، ۳۰ - ۳۳؛ عبس، ۲۶-۳۲)، خداوند، انواع نعمات مانند گسترش زمین، کوه‌ها، آب، درخت‌ها، میوه‌ها، سبزه‌زارها، چراگاه‌ها را برشمرده و حق بهره‌برداری از آنها را برای حیوانات در کنار انسان به صورت یکسان قائل شده است. این نکته، نشان‌گر اهتمام خداوند، برای داشتن حق زندگی برای حیوانات با بهره‌وری از این نعمات الهی می‌باشد. در آیات دیگر، روزی دادن به همه موجودات «دابه» را بر خود فرض نموده است (هود، ۶؛ عنکبوت، ۶۰). معنای اصلی واژه «دابه»، حرکت خفیف و آرام برخی از موجودات زنده بر روی زمین است، ولی بر هر موجودی که در روی زمین حرکت می‌کنند، اطلاق می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۶۳). از این‌رو، شامل همه حیوانات می‌شود (رازی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۷، ص ۱۸۶). آیات مذکور صراحت دارند که خداوند همه موجوداتی را که مطلقاً از نعمت حیات برخوردارند، بر اساس مصلحت و حکمتش روزی می‌دهد (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۴۵).

ب - همسانی در حفاظت از تباهی نسل: یکی از اصول زندگی هر موجود ذی روح، حفاظت از حیات و زندگی برای بقاء نسل است. این اصل را خداوند به صورت همسان درباره انسان و حیوانات رعایت فرموده است. خداوند به حضرت نوح دستور داد که در زمان طوفان از هر نوع حیوان (شبر، ۱۳۸۵، ص ۲۳۱؛ زحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۰۴۲) یک جفت را سوار کشتی کن (هود، ۴۰). یعنی بعد از گذشت طوفان، بقای نسل انسان صالح در روی زمین ضروری است، حفظ و بقای نسل نوع حیوانات (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۹، ص ۳۴؛ زحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۰۴۲)، به عنوان موجودات دارای حیات، ضرورت دارد.

همسانی حیوانات با انسان در برخی ویژگی‌های شناختی

در قرآن کریم و روایات، ویژگی‌هایی برای حیوانات ذکر شده که همسانی و شباهت آنها را با انسان‌ها نشان می‌دهد:

الف - ادراک و شعور توحیدی

نعمت درک و شعور، یکی از ویژگی‌های انسان است که حیوانات نیز به تناسب وجودی خودشان از آن برخوردار هستند:

۱ - درک خالقیت خداوند

در روایات صحیح و متعدد آمده که حیوانات می‌دانند که پروردگار جهان، خالق آنها است: امام سجاد (ع) فرمود: «مَا بَهَمَتِ الْبَهَائِمُ فَلَمْ تُبْهَمَنَّ عَنْ أَرْبَعَةٍ مَعْرِفَتِهَا بِالرَّبِّ وَمَعْرِفَتِهَا بِالْمَوْتِ وَمَعْرِفَتِهَا بِالْأُنْتَى مِنَ الذَّكْرِ وَمَعْرِفَتِهَا بِالْمَرْعَى عَنِ الْخِصْبِ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۵۳۹). «بهائم از درک هرچه دور مانده باشند، از درک چهار چیز دور نمانده‌اند: یکی از آنها شناخت پروردگار تبارک و تعالی است». به همین مضمون روایتی از امام صادق (ع) نیز روایت شده (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۵۳۹) که به صراحت بر این نکته دلالت دارند که حیوانات از درک و شعور معرفت به خالق خود و جهان برخوردارند، لذا در امور زندگی خداوند را می‌خوانند، مثل دعای مرکوب برای مهربانی راکب نسبت به خود: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ بِي رَحِيمًا» (برقی، ۱۳۳۰، ج ۲، ص ۶۲۶) و درخواست مالکی مهربان از خداوند (صدوق، بی تا، ج ۲، ص ۲۸۹) موید این مطلب است.

۲ - درک رازقیت خداوند

بر اساس روایات زیادی که در تراث حدیثی وارد شده، حیوانات به دلیل معرفت‌شان، از خداوند روزی می‌طلبند. در روایتی موثق یا همانند صحیح (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۸۸) از ابوذر نقل است که از رسول خدا (ص) شنیدم: هیچ حیوانی نیست، مگر این که صبحگاهان دعا می‌کند: «خدایا مالک صالحی را روزی فرما که از علف سیر و از آب، تشنگی‌ام را برطرف کند و بیش از توانم کار نکشد» (برقی، ۱۳۳۰، ج ۲، ص ۶۲۶).

حضرت سلیمان در راه طلب باران، مورچه‌ای را دید که دست‌ها را به آسمان بلند کرده و می‌گوید: «بار خدایا! ما نیز آفریده‌ای از آفریدگان تو هستیم و از روزی تو بی‌نیاز نیستیم، پس ما را به سبب گناهان فرزندان آدم هلاک مکن. حضرت سلیمان (ع) به مردم فرمود: بازگردید که در پرتو وجود دیگری باران بهره شما خواهد شد» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۲۴۶).

این روایت را بسیاری از نویسندگان اهل سنت همانند جاحظ (جاحظ، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۱۹)، احمد شیبانی (شیبانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۸۷) و برخی دیگر نقل کرده‌اند. از روایات مذکور و سایر احادیث به دست می‌آید که حیوانات پروردگارش را می‌شناسند. از این رو، برای دریافت حوائج و برآورده شدن خواسته‌هایشان به درگاه خداوند، تضرع می‌نمایند. این نکته ثابت می‌کند که آنها دارای شعور و ادراک هستند (صنعانی، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۸۳).

۳ - درک سجده برای خداوند

در آیات متعددی، از جمله آیه ۱۸ سوره حج، به سجده حیوانات در کنار سایر موجودات عالم اشاره شده و از آنجایی که در این آیه، سجده برای غیر اولی‌العقل همانند شمس و قمر، ستارگان و کوه‌ها تعمیم داده شده، روشن می‌شود که مراد، سجده تکوینی یعنی اظهار ذلت، در مقابل سلطنت خداوند متعال است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴،

ص ۳۵۹)، نه سجده شرعی به معنای نهادن پیشانی بر زمین که مخصوص صاحبان عقل است (أرْمَى عَلْوَى، ۱۴۲۱ق، ج ۱۸، ص ۲۶۸).

نکته‌ی مهم این‌که منشاء سجده‌ی تکوینی و تشریحی موجودات، درک و شناخت آنها نسبت به خداوند است (تستری، ۱۴۲۳ق، ص ۱۰۶). از این‌رو، برخی مفسران تصریح کرده‌اند که این آیه دلیل واضح و روشن بر این است که حیوانات بهره‌ای از ادراک و شعور دارند (مغنیه، ۱۴۰۳ق، ص ۴۶۴).

۴ - درک تسبیح برای خداوند

در قرآن کریم آیات اول سوره حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن در ارتباط با تسبیح موجودات عالم خلقت آمده، ولی آیه ۴۴ سوره اسراء: «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِحُ بِحَمْدِهِ...» شاید صریح‌ترین آیه‌ای باشد که بدون هیچ‌گونه استثناء، همه موجودات عالم هستی ... را در این تسبیح عمومی شریک می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۲، ص ۱۳۳).

در این آیه کلمه «مَنْ» در جمله‌ی «وَمَنْ فِيهِنَّ» شمولیت تسبیح را برای همه اجزاء عالم مشهود (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۱۰۸) و همه مخلوقات (فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۷) افاده می‌کند؛ هرچند برخی مفسران، مصداق آن را موجودات صاحب عقل (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۴۸۳) همانند فرشتگان، جن و انس (آلوسی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۸۳) می‌دانند. در جمله «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ» نیز هر چیزی که بر آنها «شیء» اطلاق می‌گردد، چه ذوی العقول و غیر آن، مصداق این واژه می‌باشد. از این‌رو، برخی مفسران در تفسیر این جمله با ذکر عبارتهایی مانند: «ای لیس شیء من الموجودات إلا یسبح بحمد الله» (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۴۸۳؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۲۵۵)، «کل الأشیاء تسبح لله حیا کان أو جمادا» (سمعانی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۴۴؛ بغوی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۱۶) و کلمه «شیء أعم العمومات» (شقیطی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۵) و شبیه این عبارات، بر عمومیت این واژه تصریح کرده‌اند.

نکته شایان توجه این است که تسبیح موجودات، یا با زبان گفتاری است، مانند سبحان الله (رازی، ۱۴۲۱ق، ج ۲۰، ص ۱۷۴) یا حال، به این معنا که هر ذره‌ای از موجودات عالم با وجود امکانی، خودش بر وجود یک صانع حکیم واجب الوجود (بهائی عاملی، بی‌تا، ص ۱۰۲) یگانه و توانا (آلوسی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۸۳)، دلالت می‌کنند. هرچند برخی مثل فخر رازی (رازی، ۱۴۲۱ق، ج ۲۰، ص ۱۷۴) تسبیح زبانی را از حیوانات نفی کرده، ولی تعدادی از عالمان و مفسران فریقین قائل به تسبیح زبانی برای حیوانات هستند. شیخ بهایی می‌گوید: فرقه عظیمی عقیده دارند که حیوانات نیز به الفاظ و اصوات خودشان همانند بنی آدم، تسبیح زبانی دارند (بهائی عاملی، بی‌تا، ص ۱۰۲). آلوسی می‌گوید: بنابر صحیح‌ترین اقوال، تسبیح در این آیه، مقالی است و ابن قیم چهل دلیل از کتاب و سنت در اثبات این مطلب در رساله خودش ذکر کرده است (آلوسی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۸۳).

انبوهی از روایات نیز، تسبیح حیوانات را برای خداوند بازگو کرده‌اند که حضرت فرمودند: «لَا تَضْرِبُوا وُجُوهَ الدَّوَابِّ وَ كُلُّ شَيْءٍ فِيهِ الرُّوحُ فَإِنَّهُ يُسَبِّحُ بِحَمْدِ اللَّهِ» (برقی، ۱۳۳۰، ج ۲، ص ۶۳۳) و یا علت نهی رسول خدا (ص) از داغ نهادن بر صورت چارپایان و ضربه زدن به صورت آنها، تسبیح پروردگارشان است» (بحرانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۳۷).

از روایات مذکور و همچنین آیات قرآن استفاده می‌شود که پرندگان، بلکه همه حیوانات و حتی اشیاء، با عنایت به درک و شعور توحیدی‌شان، خداوند را تسبیح می‌گویند و این تسبیح غیر از تسبیح دلالتی (دلالت بر وجود واجب الوجود و علم و قدرت او) است، ولی ما آن را نمی‌فهمیم (مجلسی، ۱۴۰۶ق/ب، ج ۳، ص ۲۱). به تصریح برخی مفسران، همین ادراک، معیار و مدار تسبیح زبانی آنهاست (آلوسی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۸۳). اگر دقیق بنگریم، خود

وجود امکانی موجودات، مساوی با شعور است و همین شعور باعث می‌شود که در برابر خداوند احساس ذلت و احتیاج نمایند و تسبیح‌گوی خداوند شوند؛ حتی شخص کافر با تمام اجزایش در مقام شعور انسانی، تسبیح خدا را می‌گوید، هرچند با قلب و زبانش خدا را قبول ندارد (بروجردی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۵۱۶).

۵ - ظهور ادراک توحیدی در کلام حیوانات

در قرآن کریم مواردی ذکر شده است که نمایانگر ادراکات توحیدی حیوانات است:

۱. در میزان درک و شناخت توحیدی هد هد نسبت به پروردگار که می‌گوید: «وَجَدْتَهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ...» (نمل، ۲۳ - ۲۶)، معرفت این پرنده به وجوب سجده برای خدا و حرمت سجده برای آفتاب نشانگر درک و شعور توحیدی است. او دریافت که این سجده در اثر اغوای شیطان است و امر منکر و با تعبیر «فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ» بیان می‌کند که از دید او برای همه موجودات تنها راه مستقیم و معین همان راه خداوند است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۳۵۶). برخی مفسران، ده مورد را برای درک پرنده هدهد شمرده است که برخی آنها ربطی به ادراک توحیدی ندارد (شنقیطی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۹).

۲. وقتی حضرت سلیمان (ع) به وادی مورچه‌گان رسید، مورچه گفت: «يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَّا يَحْطَمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (نمل، ۱۸). بر اساس روایت امام هشتم (ع)، باد صدای مورچه را به گوش سلیمان رسانید. سلیمان فرمود: مورچه را بیاورند و از او پرسید: آیا نمی‌دانی که من پیغمبر خدا هستم و به احدی ظلم نمی‌کنم؟ مورچه گفت: بلی می‌دانم. فرمود: پس چرا مورچگان را از ظلم من ترساندی؟ مورچه گفت: ترسیدم که چون زینت تو را ببینند، فریفته شوند و از یاد خدا دور گردند (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۵). بر اساس این روایت، نگرانی مورچه تنها کشته شدن مورچه‌گان در زیر سُم اسبان نیست، بلکه غافل شدن مورچه‌گان از یاد خداوند در اثر دیدن آرایش، زینت، جاه و جلال لشکر سلیمان است و این مسأله، نگرش توحیدی و ادراک و شعور او را نشان می‌دهد.

۶ - ظهور ادراک توحیدی در رفتار حیوانات

در قرآن کریم آمده که حیوانات به دستور الهی در انجام کارهایی برای انسان، مأموریت داشته‌اند و رفتار و نحوه انجام مأموریت آنان نشان‌گر ادراک توحیدی آنها نسبت به پروردگار جهان است:

یکم - آموزش کیفیت دفن انسان

قابیل، پس از کشتن برادرش هابیل، سرگردان و متحیر بود که با جسد او چه کند (اندلسی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۸۰؛ ابن جوزی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۶۷). بر اساس قول ابن عباس و ... خداوند دو کلاغ زنده را فرستاد. آنها با هم جنگیدند و یکی کشته شد. آنگاه کلاغ زنده با کندن زمین با منقارش، هم نوع خودش را در میان خاک پنهان کرد. قابیل، با دیدن این صحنه یاد گرفت که چگونه جسد برادرش را دفن کند (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۹۹) و پس از آن، دفن اموات به عنوان یک سنت در میان انسان‌ها باقی ماند (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۷۱).

ظاهر آیه ۳۱ سوره مائده نشان می‌دهد که کلاغ می‌خواست کیفیت دفن را نشان دهد. از این رو، علامه طباطبائی تعبیر «هو المعلم للانسان را درباره او بکار برده است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۳۰۶-۳۰۹).

دوم - مأموریت هدهد در رساندن پیام حضرت سلیمان (ع)

حضرت سلیمان (ع) به هدهد فرمود: «اَذْهَبْ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ» (نمل، ۲۸). حضرت در این پرنده مخیله‌های علم را مشاهده کرد و چنین دستوری داد (آلوسی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۱۹۳) که این ویژگی می‌تواند دلیل دیگری بر ادراک او باشد.

سوم - حضور پرندگان در لشکر سلیمان (ع)

لشکر حضرت سلیمان (ع) از سه گروه جن، انس و پرندگان تشکیل می‌شد (نمل، ۱۷) و مسئولیت سایه انداختن بر کرسی حضرت سلیمان (ع) (اندلسی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۵۳) و جمع‌آوری اخبار و پیام‌رسانی به فرماندهان و امراء و خارج از امور لشکر، بر عهده پرندگان بود (ابن عاشور، ۱۹۹۷م، ج ۱۹، ص ۱۷۳). نکته مهم این‌که اطاعت و فرمانبرداری پرندگان از پیامبر خدا، نشانه ادراک توحیدی آنان است.

ب - ادراک امور مادی

حیوانات علاوه بر داشتن درک و شعور توحیدی، اموری را که مربوط به عالم مادی و یا زندگی دنیوی می‌باشند، نیز درک می‌کنند.

۱ - درک جنسیت

امام سجاد (ع) و امام صادق (ع) یکی از ویژگی‌های حیوانات را تشخیص جنس مخالف خود می‌دانند: «وَمَعْرِفَتِهَا بِالْأُنْثَى مِنَ الذَّكَرِ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۵۳۹؛ صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۲۶۰).

۲ - درک معیشت

حیوانات همانند انسان دارای قوه‌ای غریزی برای یافتن غذا هستند و چراگاه را در میان سبزه‌زار تشخیص می‌دهند: «وَمَعْرِفَتِهَا بِالْمَرْعَى عَنِ الْخِصْبِ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۵۳۹) و حیوان می‌داند چگونه روزی خود را بیابد: «وَمَعْرِفَةُ طَلَبِ الرِّزْقِ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۵۳۹).

۳ - درک ضرورت نظم در زندگی

ضرورت روش‌های ثابت و منظم در سبک زندگی، از دیگر ادراکات حیوانات است. قرآن درباره زنبور عسل می‌فرماید: «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ...» (نحل، ۶۷-۶۸) که ساختن خانه‌های شش گوش، انتخاب رئیس از میان خود و اطاعت مطلق از او، کوچیدن از آشیانه با همه‌ی افراد جمعیت و ... ویژگی‌هایی است که بر ذکاوت و کیاست آنها دلالت دارد (رازی، ۱۴۲۱ق، ج ۲۰، ص ۶۹-۷۰). اندیشیدن در عواقب کار، آگاهی از فصول سال، اوقات نزول باران، تدبیر چراگاه، تقسیم کارها بین افراد، بیرون بردن زنبوران مرده از لانه‌ها، نظافت خانه‌ها در بهار و خزان، عزل و یا کشتن ملکه در صورت فساد، از دیگر نشانه‌های فهم، ادراک و کیاست آنهاست (دمیری، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۴۶۳).

ج - ادراک امور معنوی

حیوانات به امور معنوی نیز درک و شناخت دارند که برخی مصادیق این نوع ادراک عبارتند از:

۱ - درک مردن

یکی از چهار اموری که حیوانات نسبت به آنها معرفت دارند، شناخت آنها نسبت به مرگ است: «وَمَعْرِفَتَهَا بِالْمَوْتِ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۵۳۹)، ولی آگاهی آنها بر اساس روایت دیگر، همانند آگاهی انسان، همه‌جانبه نیست؛ چون اگر آگاهی حیوان از مرگ همانند آگاهی انسان‌ها بود، هیچ یک از آنان فربه نمی‌شدند (صدوق، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۸)؛ اما به تناسب علم و آگاهی‌شان از مرگ می‌ترسند: «وَمَخَافَةُ الْمَوْتِ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۵۳۹).

۲ - درک امور نیک و بد

بر اساس برخی احادیث، حیوانات همانند انسان‌ها امور خوب و بد را درک می‌کنند: آنان فضیلت روز جمعه را می‌دانند، رسول خدا (ص) فرمود: وقتی روز جمعه می‌شود، پرندگان، حیوانات وحشی و درندگان به حیوان هم جنس خود ندا می‌دهند ... و می‌گویند: روز صالحی است (راوندی، ۱۳۷۷، ص ۲۴).

آنان می‌دانند که شهادت در راه خدا برترین مرگ است، در روایتی از امیرمؤمنان (ع) درباره ادراک اسب آمده است: اسب هر روز نزد خداوند سه دعا دارد که مستجاب می‌شود: در آغاز روز می‌گوید: بار خدایا روزی آقا را فرخوان کن، میانه روز می‌گوید: بار خدایا مرا نزد آقا برسان و مالش محبوب‌تر ساز، و در پایان روز می‌گوید: بار خدایا برای آقای من بر پشت من شهادت را روزیش کن (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۶).

۳ - درک مقام ولایت ائمه اطهار (ع)

با استناد به آیات و روایات، حیواناتی مثل هدهد و مورچه‌گان، نسبت به مقام معنوی پیامبران الهی معرفت دارند که نمونه آن، روایت صحیح السنندی (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۴۷۴) است که ابوبکر حضرمی نقل می‌کند، امام صادق (ع) فرمود: «کبوتر صحرائی، ما اهل بیت را دوست دارد» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۵۵۱). همچنین در روایت دیگری که با سند قوی (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۴۶۸) نقل شده، آمده است که امام صادق (ع) از کشتن شش پرنده از جمله پرستو نهی کردند. دلیلش تأسف پرنده از آنچه که با اهل بیت پیامبر (ع) انجام دادند، است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۲۲۳). محبت پرنده به اهل بیت (ع) و تأسف خوردن بر مصیبت‌های وارد شده بر آن بزرگواران، نشان می‌دهد که آنها جایگاه و مقام ولایت ایشان را درک می‌کنند.

از مجموعه آیات و روایاتی که گذشت، ثابت می‌شود که حیوانات همانند انسان‌ها دارای ادراک و شعور در امور توحیدی، مادی، امور معنوی و موارد نیک و بد هستند؛ هرچند که درجه درک و شعورشان در حد درک و شعور انسان نیست، ولی شارع مقدس برای آنان حقوقی را قائل شده و اشتراکات حیوانات با انسان در برخورداری از حیات و زندگی، درک و شعور توحیدی و غیر توحیدی، از مهم‌ترین مبانی حقوقی آنها است.

دلیل عقلی

عقل، یکی از ادله اربعه است که فقهای شیعه جز اندکی (اخباریون) بر حجیت آن تأکید کرده‌اند. روایات حجیت عقل و احکام عقلی را در ضمن احادیث متعدد بیان کرده‌اند که یک نمونه آن روایت امام کاظم (ع) که به هشام فرمودند: خداوند بر مردم دو حجّت قرار داد، یکی حجّت ظاهری و دیگر حجّت باطنی. حجّت آشکار همان فرستادگان، پیامبران و ائمه هستند، ولی حجّت باطنی، عقل‌ها است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۶).

مراد از عقل در ادله اربعه، همان دلیل عقلی است که حکم شرعی از آن استنباط می‌شود؛ چه این‌که عقل آن را مستقلاً درک کند یا مترتب بر حکم شارع باشد (رازی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۹۶). عقل از یک لحاظ به نظری و عملی تقسیم می‌شود. عقل نظری، درباره هست و نیست‌ها بحث می‌کند و عقل عملی درباره بایدها و نبایدها سخن می‌گوید و به حسنیت امر نیکو و زشت بودن کار قبیح حکم می‌کند و برای انسان تعیین تکلیف می‌نماید (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۶۹؛ صدر، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴۱). بنابراین، در فقه و حقوق عقل عملی (مستقلات عقلیه و غیر مستقلات) منبع خواهد بود.

نتیجه اینکه عقل سلیم، هر کاری را که موجب تضییع حقوق حیوانات و ظلم بر آنها می‌شود، درک نموده و بر قبیح آن حکم می‌کند. از طرف دیگر، هرگونه اقدامی را که موجب حفظ حرمت، تأمین حیات، منافع و منابع حیاتی و محیط زیست، بقای انواع گونه‌های حیوانات می‌شود، امر نیکو و پسندیده می‌داند و بر حسن آن‌ها حکم می‌کند. همچنین در مستقلات غیر عقلیه بین حکم عقل و شرع ملازمه وجود دارد. مثلاً حفظ جامعه انسانی عقلاً و شرعاً واجب است؛ اما سلامت جامعه وابسته به امر دیگری است که به عنوان مقدمه محسوب می‌شود و آن حفظ محیط زیست است. پس، حفظ محیط زیست نیز عقلاً و شرعاً واجب است. در نتیجه حفاظت از حیوانات چه اهلی و چه وحشی که از اجزای مهم محیط زیست بشمار می‌آیند، نیز واجب است. بنابراین، قاعده «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» در اینجا تطبیق می‌شود.

اجماع

علمای فریقین بر این نکته اتفاق نظر دارند که حیوانات دارای حقوق هستند و بر انسان‌ها لازم است آن را رعایت نمایند. تعبیرهای: «للحیوان حرمة فی نفسه یجب احياءه لحق الله تعالى» در کلام علامه حلی (حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۳)، ابن قدامه حنبلی (مقدسی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۲۹۳) و عبدالرحمن بن قدامه (مقدسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۲۹۳) و دیگران در احکام فقهی مربوط به حیوانات، حکایت از این دارد که فقها به خاطر حرمت ذاتی حیوانات، رعایت حقوق‌شان را مسلّم می‌دانند و بر این مسأله اجماع نظر دارند و هیچ فردی تاکنون حقوق آنها را انکار نکرده است، حتی ابن تیمیه حرّانی از سردمداران وهابیت که امروزه طرفداران او برای انسان‌ها ارزشی قائل نیستند، برای حیوانات حرمت ذاتی قائل است: «لأنّ الحيوان له حرمة فی نفسه» (حرّانی، بی‌تا، ج ۳۰، ص ۴۱۵). بنابراین، چون حیوانات ذاتاً حریم و حرمت دارند، احیاء این حرمت به خاطر حقی که خداوند برای او قائل شده، واجب است و احیاء آن تنها به رعایت حقوق‌شان ممکن و میسر خواهد بود.

اصول و قواعد فقهی

در کتب فقهی با استناد به آیات و روایات، قواعد بسیاری وجود دارد که تکلیف انسان را در برابر هم‌نوع و سایر موجودات و جانداران و حتی محیط اطراف و عالم طبیعت روشن می‌سازد و این اصول و قواعد فقهی می‌تواند به عنوان مبانی حکم فقهی قرار گیرد. نمونه‌هایی از این قواعد را که مبنای فقهی حقوق حیوانات است، عبارتند از:

قاعده اتلاف

قاعده اتلاف، از قواعد مسلم و پذیرفته شده در میان مسلمانان (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۵) و از ضروریات فقه است (مصطفوی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۲). دلیل و مستند این قاعده، آیات متعدد از جمله آیه ۱۹۰ سوره بقره، روایات، بنای عقلاء و اجماع است. به این معنا که اگر شخصی مال یا منافع مال غیر را بدون اجازه صاحبش به هر دلیلی که باشد، عمدی یا سهوی، تلف کند، ضامن مثل یا قیمت آن است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۹۳). از اینجا روشن می‌شود که این قاعده ویژه اتلاف عین مال نیست، بلکه شامل منافع مال و ابدان نیز می‌شود (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۹).

در پیوند و ارتباط این قاعده با حقوق حیوانات باید گفت: مراد از مال، هر چیزی است که مطلوب و مورد رغبت مردم برای برآوردن حوائج‌شان بوده و دخیل در امر معاش آنهاست ... همچنین اعراضی که در اصطلاح به آنها منافع گفته می‌شود مانند، سوار شدن بر چهارپا و... (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۱).

این قاعده در میان قواعد فقهی شاید تنها قاعده‌ای باشد که با داشتن مصادیق زیاد در احکام فقهی مربوط به حیوانات، مثل جنایت بر حیوان (قاضی بن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۵۱۳)، ضمانت، دیه، ارش، صید و شکار و غیر آنها (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۲۸۶؛ حلی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۴۶)، ارتباطش با حقوق حیوانات بیشتر و محکم‌تر است. لذا، حیوانات مصداق «مال» بوده و دارای منافع عمومی و خصوصی هستند. اکنون براساس این قاعده، اگر کسی حیوان (مال غیر) یا منافع او را تلف کند، چه منافعش خصوصی برای مالک باشد یا برای عموم مردم، شخص تلف کننده، ضامن خواهد بود. همچنین اگر کسی منابعی را که جزء منافع حیوانات محسوب می‌شود، مثل محیط زیست، تخریب نماید و از بین ببرد، ضامن است. قضاوت امیرمؤمنان (ع) به پرداخت غرامت و شلاق کسی که حیوانی را بیهوده بکشد ...، مویذ این مسأله است (مغربی، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۴۲۴؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۹۵).

در این روایت چند نکته بیان شده است: (۱) کشتن حیوان به صورت بیهوده دیه و غرامت دارد. (۲) تخریب محیط زیست همانند درخت و زراعت نیز از آنجایی که باعث اتلاف حقوق غیر و حیوانات می‌شود، نیز غرامت دارد. (۳) تخریب و افساد منابع محیط زیست مسئولیت مدنی دارد. (۴) حاکم اسلامی در راستای احقاق حقوق، مجرمان را بر پرداخت غرامت وادار و به کیفرشان برساند.

قاعده لاضرر

از مشهورترین قواعد فقهی، «قاعده لاضرر و لاضرار» می‌باشد که مستند این قاعده، روایات متواتر بر نفی ضرر و ضرار است (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۰۶). از معانی قاعده این است که از ضرر رساندن به غیر و یا مطلق ضرر رساندن را که شامل خود انسان نیز می‌شود، نهی کرده است (اصفهانی (شیخ الشریعة)، بی‌تا، ص ۲۴). بنابراین،

ضرر زدن و ضرر رساندن به خود و دیگران از جمله حیوانات، جایز نیست و حرام است و تزییع حقوق حیوانات و همچنین بهره‌برداری ناصحیح از محیط زیست منجر به ضرر به حیوانات می‌شود.

قاعده احسان

این قاعده که از آیه ۹۱ سوره توبه، آیات و دلایل دیگر استفاده شده (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۹۲)، بیان می‌کند که هر شخصی که کاری را با هدف مساعدت و احسان انجام دهد، ولی به هر دلیلی به آن هدف مقصود مثل جلب منفعت یا دفع مفسده دست نیابد، و در آن اتلافی صورت بگیرد، ضامن نیست؛ چون هدف شخصی نداشته، بلکه هدف وی احسان بوده است (مصطفوی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۸). در کتب فقهی، مصادیق زیادی برای این قاعده بیان شده که برخی از آنها مربوط به احسان حیوان می‌شود. مثلاً شخصی حیوان گرسنه‌ی سرگردان را که صاحبش گم شده و یا صاحبش او را گم کرده، بگیرد و به او آب و علف بدهد، اما به صورت اتفاقی تلف شود، مثلاً برای محفوظ ماندن از سرما و گرما او را داخل اسطبل کند، اما از قضا سقف آن فرو بریزد و در نتیجه حیوان تلف شود، این شخص ضامن نیست، چون قصد احسان داشته است (مصطفوی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۸).

نکته مهم در معنا و مفهوم قاعده این است که گاهی احسان در به دست آوردن منفعت و گاهی در دور کردن ضرر است و هر دو مورد می‌تواند مصداق قاعده احسان واقع شود و چه بسا در دفع ضرر، احسان نمود بیشتری پیدا می‌کند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۲۶). بر اساس این قاعده، کسی که در ادای حقوق حیوانات از هر راهی تلاش و کوشش می‌کند، عمل او مصداق این قاعده قرار می‌گیرد، زیرا با رعایت تکلیف، هدفش منفعت رساندن برای او یا دفع ضرری از او است. همچنین کسی که در حفظ محیط زیست و پاک نگاه داشتن آن سعی و تلاش می‌کند، در حقیقت برای حیات موجودات پیرامون خود از جمله به حیوانات، کار احسان انجام می‌دهد. بنابراین، قاعده مذکور می‌تواند یکی از مبانی حقوق حیوانات، محسوب گردد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته شده در این پژوهش باید گفت، می‌توان از طریق دو مبنای کلی و مبنای ویژه هر موضوع، حقوق حیوانات را از نظر فقهی بررسی و اثبات کرد. در این پژوهش از مبنای کلی سخن به میان آمده‌است، شامل کتاب و سنت. این دو منبع و حیانی برای حیوانات ویژگی‌های مشترکی را در اصول حیاتی، امور ادراکی و تکامل پس از عالم دنیا برشمرده‌اند که برای اثبات حقوق حیوانات به عنوان یک موجود دارای حیات، کافی‌است. ادله عقلی نیز هر اقدامی را که موجب تزییع حقوق حیوانات شود، مصداق ظلم دانسته و اگر موجب حفظ حرمت، تأمین حیات، منافع و منابع حیاتی و محیط زیست، بقای انواع گونه‌های حیوانات شود، امر نیکو و پسندیده می‌داند. علمای فریقین نیز اتفاق نظر دارند که حیوانات دارای حقوق هستند و بر انسان‌ها رعایت آن لازم است. قواعد فقهی نیز اتلاف حیوان را موجب ضمانت دانسته و وارد کردن هرگونه خسارت را بر آنها نهی نموده و هرگونه تلاش را در راستای ادای حقوق حیوانات مصداق احسان و نیکی می‌داند. در نهایت، مجموع مبانی فوق، بر اثبات حقوق حیوانات در کنار انسان‌ها، و لزوم رعایت و ادای آنها دلالت می‌کند.

منابع

قرآن کریم.

- آلوسی، محمود شکرى (۱۴۱۸ق). ما دل عليه القرآن مما يعضد الهيئة الجديدة القويمة بالبرهان. لبنان: المكتب الإسلامى، ج ۱.
- آلوسی، محمود (بی تا). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۱۵، ۱۹.
- ابن جوزی، ابوالفرج (۱۴۰۴ق). زاد المسیر فی علم التفسیر. بیروت: المكتب الإسلامى، الطبعة الثالثة، ج ۲.
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۹۹۷م). التحریر و التنویر. تونس: دار سحنون، ج ۱۹.
- ابن فارس، أحمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. محقق هارون. قم: مكتب الاعلام الاسلامى، ج ۱-۲.
- ارمى علوى، محمدامين (۱۴۲۱ق). تفسیر حدائق الروح و الریحان فی روابی علوم القرآن. لبنان: دارطوق النجاة، ج ۱۸.
- اصفهانى، فتح الله (بی تا). قاعدة لا ضرر. قم: مؤسسه النشر الإسلامى.
- اندلسى، عبدالحق (۱۴۱۳ق). المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز. تحقیق عبدالسلام. لبنان: دارالکتب العلمیة، ج ۴، ۲.
- انصارى، محمدعلى (۱۴۱۵ق). الموسوعة الفقهیة. قم: مجمع الفكر الإسلامى، ج ۱.
- بجنوردى، محمدحسن (۱۳۷۷ق). القواعد الفقهیة. تحقیق مهدى مهریزى، محمدحسین درایتى. قم: نشر الهادى، ج ۲.
- بحرانى، سید هاشم، (بی تا). البرهان فی تفسیر القرآن. تحقیق مؤسسه البعثة. قم: بی نا، ج ۳.
- برقى، أحمد (۱۳۳۰). المحاسن. تصحیح جلال الدین حسینی. تهران: دارالکتب الإسلامیة، ج ۲.
- بروجردى، حسین (۱۴۱۶ق). تفسیر الصراط المستقیم. تحقیق غلامرضا بن على أكبر. قم: مؤسسه أنصاریان، ج ۳.
- بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدى. ترجمه رضا مهیار. تهران: انتشارات اسلامى.
- بغوى، حسین (بی تا). معالم التنزیل فی تفسیر القرآن. تحقیق خالد عبدالرحمن. بیروت: دار المعرفة، ج ۳.
- بهائى عاملی، محمد بن حسین (بی تا). مفتاح الفلاح. بیروت: مؤسسه أعلمی.
- تستری، سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ق). تفسیر التستری. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- جاحظ، عمرو بن بحر (۱۴۱۶ق). الحيوان. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. بیروت: دارالجیل، ج ۴.
- حرانى، احمد بن تیمیة (بی تا). مجموعه الفتاوى. طبعه الشيخ عبدالرحمن بن قاسم. بی جا: بی نا، ج ۳۰.
- حسینی مراغى، میرعبدالفتاح (۱۴۱۷ق). العناوين الفقهیة. قم: مؤسسه النشر الإسلامى، ج ۱.
- حکمت نیا، محمود (۱۳۸۶). مبانی مالکیت فکری. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى.
- حلى، حسن بن یوسف (بی تا). تذكرة الفقهاء. نجف: المكتبة المرتضویة، ج ۲، ۷.
- خوانسارى، احمد (۱۴۰۵ق). جامع المدارک. تحقیق على أكبر الغفارى. طهران: مكتبة الصدوق، طبع الثانية، ج ۶.
- دمشقى، عبدالقادر بن بدران (۱۴۰۱ق). المدخل الى مذهب الامام احمد بن حنبل. بی جا: بی نا، ج ۱.
- دمیرى، کمال الدین (۱۴۲۴ق). حياة الحيوان الكبرى. بیروت: دارالکتب العلمیة، ج ۲.
- رازى، محمد بن عمر (۱۴۲۱ق). التفسیر الكبير أو مفاتیح الغیب. بیروت: دارالکتب العلمیة، ج ۱۷، ۲۰.
- رازى، محمدتقى (بی تا). هداية المسترشدين. قم: مؤسسه النشر الإسلامى، ج ۳.

- راوندی، فضل الله (۱۳۷۷). النواذر. تحقیق سعید رضا علی عسکری. قم: مؤسسه دارالحدیث.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۲۲ق). التفسیر الوسیط. دمشق: دارالفکر، ج ۲.
- ساکت، محمدحسین (۱۳۷۰). نگرش تاریخی به فلسفه حقوق. تهران: جهان معاصر.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۸ق). موسوعة طبقات الفقهاء. قم: مؤسسه الإمام الصادق، ج ۱.
- سمعانی، منصور (۱۴۱۸ق). تفسیر القرآن. تحقیق یاسر بن إبراهيم و غنیم بن عباس. الرياض: دار الوطن، ج ۳.
- شبر، عبدالله (۱۳۸۵). تفسیر القرآن الکریم. تحقیق راجعه الدكتور حامد حفنی داود. قاهره: السيد مرتضى الرضوی، طبعه الثالثة.
- شقیطی، محمد الأمين (۱۴۱۵ق). أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن. تحقیق مکتب البحوث والدراسات. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر، ج ۸.
- شیبانی، أحمد (۱۴۰۸ق). الزهد. تحقیق عبدالعلی عبدالحمید حامد. القاهرة: دار الریان، ج ۱.
- صدر، سید محمد (۱۴۲۷ق). ماوراء الفقه. قم: المحبین للطباعة و النشر، ج ۱.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). الخصال. تصحیح علی أكبر الغفاری. قم: جماعة المدرسین.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ق). عیون أخبار الرضا (ع). تحقیق حسین الأعلمی. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ج ۲.
- صدوق، محمد بن علی (بی تا). من لایحضره الفقیه. تحقیق علی أكبر الغفاری. جامعه مدرسین، ج ۲.
- صنعانی، محمد بن إسماعیل (۱۳۷۹ق). سبیل السلام شرح بلوغ المرام من أدلة الأحکام. تحقیق محمد عبدالعزیز الخولی. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۲.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جماعة المدرسین، ج ۱۵-۱۳، ۵.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تحقیق لجنة من العلماء. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ج ۵-۶.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الإمامیه. تحقیق محمدتقی کشفی. طهران: المکتبه المرتضویه، ج ۴، ۶.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). التبیان فی تفسیر القرآن. تحقیق أحمد حبيب قصیر العاملی. قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ج ۳، ۶.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶ق). القواعد الفقهیه. تحقیق محمدجواد فاضل. قم: مهر، ج ۱.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (بی تا). تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس. لبنان: دار الکتب العلمیه، ج ۱.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۸ق). التفسیر الأصغری. قم: مطبعة مکتب الإعلام الإسلامی، ج ۱.
- قاضی ابن البراج، عبد العزیز (۱۴۰۶ق). المهذب. تحقیق مؤسسه سید الشهداء. إشراف: جعفر سبحانی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ج ۲.
- قرطبی، محمد (۱۴۰۵ق). الجامع لأحکام القرآن. تحقیق أحمد عبدالعلیم. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۹.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ بیست و ششم.

- کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۵۹). **تحریر المجله**. نجف: المکتبه المرتضویه، ج ۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). **الکافی**. تحقیق علی أكبر الغفاری. تهران: دار الکتب الإسلامیه، ج ۶، ۸، ۱.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). **مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول**. تحقیق السید مرتضی العسکری. تهران: دار الکتب الإسلامیه، ج ۲۲.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۶ق/الف). **ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار**. تحقیق مهدی الرجائی. قم: مکتبه آیةالله المرعشی.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق/ب). **روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه**. محقق موسوی کرمانی. قم: مؤسسه فرهنگي اسلامی کوشانبور، ج ۳.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۱۴ق). **لوامع صاحبقرانی (شرح الفقیه)**. قم: کتابفروشی اسماعیلیان، ج ۷.
- مصطفوی، محمدکاظم (۱۴۱۷ق). **مائة قاعدة فقهية**. قم: مؤسسه النشر الإسلامی، طبعه الثالثه.
- مغربی، قاضی نعمان (۱۳۸۳ق). **دعائم الإسلام**. تحقیق آصف بن علی أصغر فیضی. القاهرة: دارالمعارف، ج ۲.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۰۳ق). **التفسیر المبین**. قم: مؤسسه دارالکتب الإسلامی.
- مفید، محمد (۱۴۱۴ق). **الاختصاص**. تحقیق علی أكبر الغفاری، السید محمود الزرنندی. بیروت: دارالمفید، الطبعة الثانية.
- مقدسی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۵ق). **الشرح الكبير علی المقنع**. تحقیق عبدالله بن عبد المحسن. القاهرة: هجر للطباعة و النشر، ج ۷.
- مقدسی، عبدالله بن أحمد بن قدامه (۱۴۰۵ق). **المغنی فی فقه الإمام أحمد بن حنبل الشیبانی**. بیروت: دارالفکر، ج ۷.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۲.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق). **القواعد الفقهية**. قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین (ع)، ج ۲.
- نوری، حسین (۱۴۰۸ق). **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**. بیروت: مؤسسه آل البيت (ع)، ج ۱۷.